



افزایش سود وام ازدواج، **پر کردن جیب دولت و جبران کسری‌ها با سواستفاده از نیاز مالی بی‌ضایات‌ترین و یکی از مهم‌ترین**

اقتار جامعه یعنی زوج‌های جوان، با کجای منطق سیاست‌های کلی نظام درباره جمعیت و تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده **سنجیت دارد؟**

مجردهای ما علی‌الخصوص آن‌هایی که موفق به ازدواج می‌شوند سدشکن‌هایی هستند که توانسته‌اند از موانعی هم‌چون یافتن همسر دارای شرایط، کار و درآمد، هزینه ودیعه خانه و ده‌ها مشکل دیگر رهایی بیابند.
اما تا اینجاى کار چندان سخت نیست تا اینکه به «غول مرحله آخر!» یعنی دریافت وام ازدواج می‌رسند.
اکنون وضعیت اقتصادی اکثریت مجردهای ما به‌گونه‌ای است که به هر صورت نیازمند دریافت وام ازدواج هستند.

غول وام ازدواج بزرگ‌تر شد

بسیاری از مجردهای امروزی تنها با حداقل یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های خود را وام ازدواجی می‌دانند که دولت به آنها ارائه می‌دهد و تا همین چند روز قبل شاید تعدادی از همین جوانان به زور توان پرداخت اقساط آن را داشتند. اما حالا و بنا به گفته سخنگوی دولت تدبیر و امید نرخ سود وام ازدواج از ۴ درصد به ۱۰ درصد افزایش یافته است و این یعنی «غول مرحله آخر» بزرگ‌تر شده است؛ آن هم به دست دولتی که حسب دستور مقام معظم رهبری، وظیفه تسهیل در امر ازدواج را دارد.

در بند چهل و پنجم از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، بر «فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت» از سوی رهبر انقلاب مستقیما به دولت آقای روحانی تاکید شده است.

در «سیاست‌های کلی جمعیت» هم که در تاریخ ۳۰ اردیبهشت سال ۹۳ از سوی ایشان به رسوای سه قوه ابلاغ شد، به اهمیت موضوع بیشتر پی می‌بریم. در بند دوم این ابلاغیه آمده است: «رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد.»

وام ازدواج، وظیفه دولت

رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد، از وظایف دولت است حال سوال اینجاست که تصمیم به افزایش سود وام ازدواج از سوی دولت یک کدام یک از سیاست‌های کلی نظام در

اگر بگوییم دولت یازدهم پرحاشیه‌ترین دولت در حوزه فناوری اطلاعات است، سخن بیهای نیست. دولتی که اعضای کابینه‌اش فعالیت محسوسی در شبکه‌های اجتماعی خارجی داشته و در رفتاری خلاف مولفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیت ملی کشور، ناباورانه شبکه دریافت اطلاعات و اخبار را از منابع رسمی همچون رسانه‌های شناسنامه‌دار و مجوزدار به فضای پرحاشیه، ناامن و سیال شبکه‌های اجتماعی سوق دادند. کار به جایی رسیده که بخشی از اخبار روزانه کشور به بخش تکذیبیهای شایعات منتشر شده در تلگرام توسط مسئولان کشوری و لشکری اختصاص یافته است!

این‌گونه شد که جامعه پر استر از شیامات پی‌پایان و فضاسازی‌های خطرناک، رها گردید و به وضوح پیش‌بینی می‌شود میوه مسموم چنین سیاست‌ورزی پر اشتباهی به زودی در بزنگاهای انتخاباتی و حساس اجتماعی برداشت شود.

در حوزه کارآفرینی نیز زیرساخت اشتغال مبتنی بر فناوری یا همان «استارت‌آپ ها» درسط با مدیریت و مشارکت جمعی از مدیران دولتی شناخته شده به آمریکایی‌ها واگذار شده است. کار به جایی رسیده که گوگل و مایکروسافت و کوکاکولا همچون سایر کشورهای خاورمیانه، در ایران «استارت‌آپ ویکند تحولات اجتماعی» بر گزار می کنند و با تکمیل مدیریت حلقه‌های کسب‌وکار، به عرصه شبکه‌سازی اجتماعی و مدیریت خواسته‌های زنان و مردان و جوانان ایرانی ورود پیدا کرده‌اند. مفهوم باز گذاشتن دست زیرساخت اقتصادی نظام سرمایه‌داری برای فعالیت اجتماعی در ایران این است که امکان مهندسی اهداف و آرمان‌های «انقلاب اسلامی ایران» که از ابتدا با رویکرد ضدسرمایه‌داری، شکل گرفت در اختیار نظامات شکست‌خورده نئولیبرالیسم قرار گرفته است! آیا مفهومی دقیق‌تر در تبیین پروسه «نفوذ» می توان بیان کرد؟! **مدیران عالی‌رتبه نفوذی**

این یعنی دستگیری سرسناخه‌هایی همچون نزار ذکا و مدیران کشفدسوزک و برخی وابستگان به شاخه هیفوس هلند که در ایران در حوزه‌های مختلف مفهومی اجتماعی جامعه ایرانی فعالیت می‌کردند، بدون قلع و قمع پاینده داخلی که بر کرسی‌های بالادستی سیستم تکوین زده‌اند، مشرف باید نفوذ نیوده و نتخاود بود.

ایران در شرایط نابسامان اجتماعی با نسل کشی نظام سرمایه‌داری و تخم‌ریزی مادر نئولیبرالیسم در کشور مواجه است و در چنین شرایطی زیرساخت‌های بومی کارگشا همچون «شبکه ملی اطلاعات» که از قابلیت حذف ستهای آلوده و مدیریت یکپارچه تقاضا در کشور برخوردار است، با کارشنکشی و متمر فاند نفوذ، قفل شده است.

در شرایطی که اصل ماجرای تقاضای عمومی برای «شبکه ملی اطلاعات» به عنوان بستتر کارآفرینی مبتنی بر وب با فعالیت تقاضای از شتاب‌دهنده‌های آمریکایی استارت‌آپ‌ها، همراه با دزدی اطلاعات از ایده‌های جوانان کشور، رو به فراموشی سپرده، ایهام آفرینی در چستی و چرایی ایجاد شبکه ملی اطلاعات نیز بالا گرفته است. واعظی می‌گوید: «شبکه ملی اطلاعات هیچ‌گاه به انتها نمی‌رسد و همیشه در حال بروز شدن است. الان زیرساخت‌های فنی آن آماده است و هر دستگامی بخشی از اطلاعات خود را روی آن می‌گذارد. این شبکه به مرور کامل می‌شود. گمکر و مالیات چند ماه قبل تمام خدمات‌شان را بر این بستر قرار دادند، قرار است دفترچه‌های بیمه روی این شبکه قرار گیرند و وزارت علوم برای شبکه علمی کاری را به‌رراستا با این شبکه شروع کرده است.» البته زیرسازیی غلط پیرامون چستی «شبکه ملی اطلاعات» و خلط آن با محیط «دولت الکترونیک» سبقه‌های طولانی دارد. به نحوی که «ن.ج» مجری شبکه مذکور به حکم آقای وزیر، پیش از این مدعی شده بود: «ثبت‌نام پیرانه لارزترین سروسز بر بستر شبکه ملی اطلاعات بود(۱)»

تقدیر زیرساخت‌ها به دشمن!

حقیقت این است که اگر کشور ما پیشترانه ملی و نظامات درونی خود در حوزه فضای مجازی را در قالب یک برنامه بزرگ و یک شبکه بهم‌پیوسته، در اسرع وقت راهاندازی کرده بود اکنون فعالیت شتاب‌دهنده ها و استارت‌آپ ویکندهای آمریکایی در جامعه تا این حد مهم نبود. چرا که رقابت بیگانه در خاک حریف و با زیرساخت‌های ملی، فرایند بسیار مشکلی است که اساسا به علت سدت بازی حریف در خود، وجود دارد. به شکلی است که اما وقتی دولت از ارائه کمترین و کوچک‌ترین خدمات به جوانان بیکار و صاحب ایده سر سزای می‌زند، اصلا قیامتی به وجود نمی‌آید!
کما اینکه هم اکنون ایده‌های جوانان ایرانی با کمک حداقلی شتاب‌دهنده‌های گولگی براساس قوانین ضابطه‌سازی حاکم بر سر این حوزه، به مالکیت غول‌های شناخته شده خارجی درمی‌آید. اما آیا ما مسیری برای نجات جوانان از این پروژه ضد اقتصادی ایجاد کرده‌ایم؟

تعامل است؟ افزایش سود وام ازدواج، پر کردن جیب دولت و جبران

کسری‌ها با سواستفاده از نیاز مالی ضعیف‌ترین، بی‌ضایات‌ترین و یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه یعنی تازه‌دامادها و تازه‌عروس‌های

کشور، با کجای منطق سیاست‌های کلی نظام درباره جمعیت و تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده سنجیت دارد؟

شاید در نگاه اول افزایش نرخ سود، اگر آن هم رسیدن به ۱۰ درصد، میزان آندکی باشد ولی از دید یک جوان که همین وام ازدواج تنها پشتوانه مالی‌اش برای شروع زندگی است، بسیار درصد هنگفتی است. سوالی که در این هنگام به ذهن هر جوان در شرف ازدواجی

دوگانه‌سازی مهم قرن بیست و یکمی!

ازدواج کنیم یا ماشین بخریم؟!

می‌رسد این است که ادعای تلاش برای بهبود معیشت از سوی دولت را باور کند یا افزایش درصد وام ازدواج را؟! او از خودش می‌پرسد آیا کسی که چنین قانونی را تصویب کرده ماهانه ۸۰۰ هزار تا یک میلیون تومان درآمد دارد و حداقل ۴۰۰ هزار تومان آن را بابت کرایه منزل می‌پردازد؟ در این لحظه او جلوی خودش را می‌گیرد

اجتماعی Ejtmaee @kayhan.ir

تا حرف بدی نزنند؛ زیرا به این دولت رأی داده است.

یک محاسبه ساده

حال فرض کنید جوانی از یک خانواده متوسط، در سن ۲۴ سالگی پس از اتمام تحصیلاتش در مقطع کارشناسی و اخذ کارت پایان خدمت و با فرض اینکه بعد از خدمت سربازی بلافاصله شغل پیدا کند، درآمدش حدود ۸۰۰ هزار تومان باشد؛ اگر این جوان تمام درآمدهای ماهانه‌اش را پس‌انداز کند و حتی یک ریال از آن را خرج نکند که البته تقریباً نشدنی است، در سن ۲۸ سالگی تصمیم به ازدواج می‌گیرد در حالی که تمام پس‌اندازش هم ۲۶الی ۴۰ میلیون



*** در بند چهل و پنجم از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، بر «فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت» از سوی رهبر انقلاب مستقیما به دولت آقای روحانی تاکید شده است.**

مهر امسال و متقاضیان وام ازدواج که در سال ۹۳ ثبت‌نام کرده‌اند تا پایان آذرماه سال جاری تسهیلات ازدواج می‌گیرند.

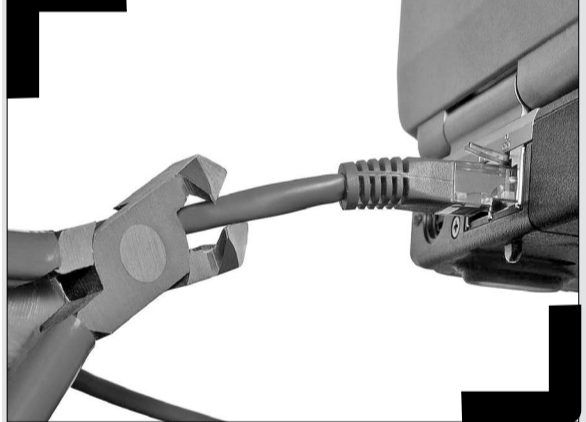
۲- با توجه به آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار، اگر تمام سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص یابد، از این منابع می‌توان سالانه به یک میلیون زوج ۳۰

تومان خواهد بود. البته در چنین شرایط آزمایشگاهی که عنوان شد، شرط تورم فعلی را حذف کرده‌ایم. حال سوال اینجاست که آیا این جوان می‌تواند با این اوضاع تورم در مسکن و مخارج شروع زندگی ازدواج کند و به سنت پیامبر(ص) عمل نماید و در نهایت باعث رشد جمعیت کشور شود؟

تکمیل طرح بسیار مهم شبکه ملی اطلاعات و فرامین رهبر انقلاب در این حوزه و ماجرای انحلال شوراهای مازوی، دست کم تاکنون بر زمین مانده است. هر چند برای قضاوت در خصوص عملکرد دبیر جدید هنوز راه درازی باقی است. تاکنون طبق برآوردهای مالی انجام شده در دولت‌های نهم، دهم و کنونی طی ۲۲۰۰ میلیارد تومان هزینه راهاندازی شبکه ملی اطلاعات شده است، اما تا به حال گزارش مستدلی در ارتباط با میزان پیشرفت آن ارائه نشده است، هرچند که «ن.ج» پیش از این گفته بود پیشرفت شبکه ملی اطلاعات مسئله‌ای نیست که نیازمند گزارش باشد چرا که عنینت این شبکه جلوی چشم همه است و همه آن را احساس می‌کنند(۱)!

وزیر ارتباطات نیز در دفاع از عملکرد خود، افزایش ظرفیت پهنای

باند اینترنت، راهاندازی اینترنت استسان قم و ارائه خدمات الکترونیکی دستگاه‌ها بر شبکه اینترنت داخلی کشور را از جمله اقدامات انجام شده



ذات این مسیر به «سیستم‌سنجی» و «سرمایه‌داریستی» می‌انجامد.

چرا که در سخت‌ترین دوره کارآفرینی، سرمایه‌داری آمریکایی به کمک وزارت ارتباطات در دوره قبل موفق شده است.

اما روضه «شبکه ملی اطلاعات» جانگذاز است، چرا که تنها بستر ظهور ایده‌های فناورانه ملی نیست و گارد دفاعی ملت در حوزه پر نفوذ سایبر را بناسt ایجاد کند. ادامه دهید…

گوشش قربانی هفته

بالغ بر یک دهه از مطرح شدن طرح به ظاهر آرمانی شبکه ملی اطلاعات می‌گذرد و دولت‌های مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به آن اتخاذ کرده‌اند و همین منجر به بروز برخی اختلاف‌نظرها بر سر مباحث اجرایی این پروژه ملی شده است.

رئیس سازمان فناوری اطلاعات با بیان اینکه در شبکه ملی اطلاعات پایداری، ظرفیت، کیفیت، قیمت، سرعت و امنیت در قالب یک برنامه جامع طراحی شده است، گفت: «گام‌به‌گام به سمت نقاط تعیین شده پیش می‌رویم و در این راستا برای رسیدن به اهداف سه برنامه شش ماهه تهیه شده است.»معاون وزیر ارتباطات تصریح کرد: به زودی گزارش‌های کتبی که در این خصوص وجود دارد، اعلام می‌شود اما باید در نظر داشت که شبکه ملی اطلاعات دارای روندی تکاملی است. اکنون در فاز اول که مربوط به دسترسی به این شبکه می‌شود تمهیداتی اندیشیده شده تا مردم در نقاط مختلف به اینترنت دسترسی داشته باشند؛ در گام‌های بعدی موضوعاتی مانند ظرفیت دسترسی، سرعت، امنیت، قیمت و مواردی از این دست مورد توجه قرار خواهد گرفت چرا که در این زمینه یک برنامه جامع تهیه کرده‌ایم و براساس آن گام‌به‌گام این طرح را پیش خواهیم برد. وی همچنین اظهار کرد: «امیدواریم تا اواسط سال آینده در خصوص شبکه ملی اطلاعات با شرایط مطلوب نزدیک شویم.»

هنوز زمان زیادی از نطق شبایند یوی نگذشته بود که یکی از اعضای

حقیقی شورای عالی فضای مجازی به نقد این اظهارات پرداخت.

حتی‌الاسلام والمسلمین حمید شهرباری اتفاقا در همان نمایشگاه الکامپ در پاسخ به سوآلی مبنی بر «گزارش پیشرفت شبکه ملی اطلاعات به کجا رسید و آیا طبق اظهارات معاون وزیر ارتباطات، اجرای این شبکه محقق شده است؟» گفت: به عقیده بنده شبکه ملی اطلاعات هنوز راهاندازی نشده است.

این عضو شورای عالی فضای مجازی گفت: اگر قرار باشد شبکه ملی اطلاعات را در بستر اینترنت راه بیندازیم، که دیگر شبکه ملی نیست، زیرا اگر سوئیدی از اینترنت را ببندند این شبکه از دسترسی خارج می‌شود! براساس اهداف کمی ترسیم شده در برنامه پنجم توسعه، شبکه ملی اطلاعات باید تا پایان سال جاری راهاندازی شود و طی آن ۶۰ درصد خانوارها و ۱۰۰ درصد کسب‌وکارها به این شبکه به‌صورت الکترونیکی علاوه بر این ۸۰ درصد پرداخته‌ها نیز باید به‌صورت الکترونیکی انجام شده و امکان دسترسی کاربران ایرانی به پهنای ۲۰ مگابیت بر ثانیه نیز در این شبکه محقق شود.اکنون «ن.ج» منتهم پرونده نزار ذکا و امضاکننده اسناد اجلاس سران جامعه اطلاعاتی – wis – مشهور به باشگاه بازندگان حوزه حاکمیت اینترنت: دبیر شورایی فناوری اطلاعات، مجری شبکه ملی اطلاعات، مدیر و مجری زیرساخت شبکه ملی اطلاعات و رئیس کار گروه ۴ نفره تحقق شبکه ملی اطلاعات است!

وی از موسسین و اعضای حزب منحله مشارکت و از عناصر نزدیک به دفتر هاشمی فرسجنانی است که به صورت عملیاتی، دانسته یا نادانسته نقشه «اشغال سایبری ایران» را دنبال می‌کند.
آیا با مدیریت عناصری همچون «ن.ج» می‌توان به تحقق اهداف نظام در حوزه سایبر و فناوری اطلاعات امیدوار بود؟

گل بود به سبزه نیز آراسته شد

با نگاهی به چند خبر قدیمی درمی‌یابیم که وضعیت وام ازدواج آنقدر اوضاع بدی داشته و دارد که دولت باید به صورت اورژانسی به درمان آن می‌پرداخت؛ اما با قصه جدید افزایش سود وام ازدواج تا ۱۰ درصد، اوضاع از بد هم بدتر شد:

۱- سیدعلی اصغر میرمحمد صادقی با اشاره به خبری خوش برای متقاضیان دریافت وام ازدواج به جلسات بانک مرکزی با اعضای هیئت مدیره بانک‌ها به منظور تعیین تکلیف وام ازدواج اشاره کرد و گفت: متقاضیان وام ازدواج که در سال ۹۲ ثبت‌نام کرده‌اند تا ۱۰

صفحه ۶ سهشنبه اول دی ۱۳۹۴ ۱۰ ربیع الاول ۱۴۳۷ – شماره ۷۱۷۳۶

میلیون تومان وام ازدواج داد، ولی عملکرد بانک‌ها غیراز این است. ۳-مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی گفت: زوج‌های جوان تنها می‌توانند با تسهیلات ۳ میلیون تومانی نقدی را دریافت کنند یا تسهیلات ۱۰ میلیون تومان خرید کالا، زیرا هر دوی آنها به یک زوج پرداخت نخواهد شد.

۴-گزارش‌ها حاکی‌است بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار زوج جوان سراسر درآمد و بی‌اعتنایی نعمت‌زاده وزیر صنعت همچنان ادامه دارد؛ چرا تولیدکنندگان لوازم خانگی تولید داخل از مصوبه جهانبگیری مبنی بر وام ۱۰ میلیونی خرید کالا برای زوج‌های جوان بی‌خبرند؟!
خبر نخست می‌خوانیم متقاضیان وام ازدواج از سال ۹۲ در انتظار دریافت وام هستند. با مقدمه‌ای که در ابتدای مطلب گفته شد نیازی به توضیح اوج کم‌کاری دولت در این خصوص نمی‌ماند. با توجه به شدت تورم در کشور، چه کاری از وام ازدواجی که دو سال بعد از برگزاری مراسم عقد به دست زوجین برسد ساخته است؟ آیا چنین مسئله‌ای باعث نمی‌شود تا زوج‌های جوان دولت را عملا بی‌توجه به مشکلات خود قلمداد کنند؟

نتیجه خبر دوم آن است که مشکل وام ازدواج قابل حل است اما موانعی وجود دارد که اجازه این کار را نمی‌هد و مشکل در بانک‌هاست. چه کسی مسئول پاسخگو کردن بانک‌ها برای ارائه وام‌های قرض‌الحسنه است؟ یک زوج جوان یا وام سه میلیون تومانی خواهند گرفت یا وام خرید کالای ۱۰ میلیونی؛ تازه اگر به خبر چهارم بی‌اعتنا باشیم! و اگر این وام بعد از دو سال از ثبت نام به درشان بخورد، همه نیک می‌دانیم که سه میلیون تومان سال نکته مهم آنکه مردان دولت تدبیر و امید از این دست جوانان توقع نداشته باشند که چنین مطالبه حداقلی را به بهانه تحریم نادیده بگیرند و آن را براساس سوءمدیریت بر منابع مالی ننگارند. امید است دولتمردان به جای اینکه سنگی جلوی پای جوانان به جهت تشکیل خانواده بیندازند، فکری به حال وضعیت این دختران و پسران کنند چرا که مسائلی همچون مشکلات اقتصادی ممکن است جوانان را از مسیر زندگی صحیح بازداشته و هزینه‌های سنگینی در حوزه معضلات اجتماعی به جامعه و دولت تحمیل کند.

ازدواج یا خودرو؟ مسئله این است!

البته که در نظر دولت مردان خودرو بهتر است. زیرا با ۲۵ میلیون وام خودرو موافقت می‌کنند ولی ۳ میلیون وام ازدواج را به جوانان نمی‌دهند.
یحتمل نظرشان این است که اگر جوانان ازدواج نکنند اتفاق خاصی نمی‌افتد، فقط سسن ازدواج بالاتر می‌رود و سن فساد و فحشا پایین می‌آید. ولی خودرو از واجبات است. شاید هم ما اشتباه می‌کنیم و پیامبر فرموده‌اند: المَرْمَکُ سُنَّتٌ !!!!

چوتاییین مصادیق جانبازی ایهام دارد؟

اثبات ایثارگری با تنی مجروح وخسته

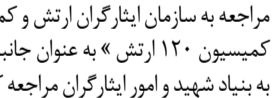
و لطعات شیمیایی می‌داند او که حال دچار از کارافتادگی شده و درآمدی ندارد باید هزینه تحصیل فرزندش در دانشگاه و هزینه چند میلیونی درمان همسرش را تأمین کند، ولی از این می‌داند که به دلیل نداشتن شرح سابقه کمیسیون تعیین جانبازی برای رسیدگی به وضع او تشکیل نمی‌شود و انتظار کم‌کم دارد یا خانگی که از پرسنل پزشکی حاضر در جبهه‌ها بوده و به دلیل آتش سوزی مدارکش از بین رفته و الان مانده و اثرات جانبازی اش. سوالی که اینجا مطرح است اینکه زمانی به حضور این افراد در صحنه جنگ نیاز بود و آنها بدون هیچ چشمداشتی در میدان حاضر شدند و سلامتی و عمر خود را نثار کردند.آیا درست است اکنون برای استفاده از کمترین خدمات در در دنبال جمع کردن مدرک و اثبات ایثار خود باشند؟!
اگر رزمنده‌ای حتی دچار هیچگونه مجروحیتی هم نشده باشد ولی امروز در گذران زندگی به مشکل خورده به حال خود رود، شود؟!
آیا شرط انصاف است زمانی که کشور به او احتیاج داشت بدون کمترین مدرک و تشریفات در صحنه حاضر شود اما زمانی که او به کمک احتیاج دارد باید از هفت خوان رستم بگذرد؟ امروز حتی برخی از کسانی که حین خدمت دچار حادثه و مجروحیت شده‌اند نیز در مواردی نمی‌توانند از حقوق و خدماتی که قانون برای قراردانی از آنها در نظر گرفته است بهره مند شوند. بطور مثال تقی گنجلو ابرقانی جوانی از روستاهای زنجان که سال ۸۴ حین انجام خدمت مقدس سربازی هنگام جابجایی مهمات بر اثر انفجار ، از ناحیه دو چشم نابینا و دو دست وی از قسمت قطع شده است ولی با داشتن مدارک مختلف جانبازی او از سوی بنیاد شهید تأیید نمی‌شود.

به گوشه‌ای از شرح حال او توجه کنید:

ارتش می‌گوید جانبازی، بنیاد شهید قبول نمی‌کند!

«روز بیستم و هفتم اسفندماه سال ۱۳۸۲ هنگامی که سرباز بودم حین آموزش ش ۵»(شیمیایی میکروبی هسته‌ای) بر اثر انفجار شینی از ناحیه دو چشم نابینا شدم و دو دستم نیز از مچ قطع شد. من از سربازان نیروی زمینی ارتش در شهرستان پیرانشهر بودم.به دنبال این حادثه به بنیاد شهید مراجعه کردم اما کارکنان بنیاد شهید گفتند که ابتدا باید ارتش جانبازی شما را تأیید کند.

روستی گنجلو ابرقانی جوانی
از شش‌ماهه زنجان است که
سال ۸۴ حین انجام خدمت مقدس سربازی هنگام جابه‌جایی مهمات بر اثر انفجار از ناحیه دو چشم نابینا و دو دست وی از قسمت مچ قطع شده ولی با داشتن مدارک مختلف، جانبازی او از سوی بنیاد شهید تأیید نمی‌شود.



مراجعه به سازمان ایثارگران ارتش و کمیسیون‌هایی که داشتند در «شورای عالی کمیسیون ۱۲۰ ارتش» به عنوان جانباز ۶۶ درصد شناخته شدم اما هنگامی که به بنیاد شهید و امور ایثارگران مراجعه کردم آنها گفتند که چون این حادثه حین آموزش «ش ۵» بری شما به وقوع پیوسته است، جزو مصدقینی که بتوان آن را جانبازی به شمل آورد، نیست. م‌علا من به عنوان جانباز به حساب نمی‌آیم. در دیدار با مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران ناکام بودم این درحالی است که پس از فوت مادرم در سال گذشته من دیگر توانایی انجام بسیاری از کارها را ندارم. به عنوان مثال چون دو دستم از مچ قطع شده است حتی توانایی قاشق را به‌دست نگرفتم و نمی‌توانم بخورم هم برای مقهور نیست. در سال‌های هم که در روستا زندگی می‌کنند نیز نمی‌توانند از من نگهداری کنند. امیدوارم این سخنان موجب شود تا مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران در تهران وقعی می‌زدند تا چند ماه برای انجام خدمت خدمن تشویق هم شود و برای او امکان پرداخت پول و خرید مدت غیبت و دریافت کارت معافیت فراهم شود؟

اگرچه سازمان ایثارگران ارتش ماهانه مستمری به من می‌دهد اما این مبلغ کفاف زندگی مرا نمی‌دهد و از طرفی توانایی انجام هیچ کاری را ندارم. برادرانم هم که در روستا زندگی می‌کنند نیز نمی‌توانند از من نگهداری کنند. امیدوارم این سخنان موجب شود تا مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران در تهران وقعی می‌زدند تا چند ماه برای انجام خدمت خدمن تشویق هم شود و برای او امکان پرداخت پول و خرید مدت غیبت و دریافت کارت معافیت فراهم شود؟

اینک روی سخن با متولیان و مسئولان است، در حال حاضر که این اتفاق ناگوار برای این جوان سرباز نیز خدمت افتاده، آیا کسانی که دچار مجروحیتی از زمان دفاع مقدس هستند و نمی‌توانند جانبازی خود را ثابت کنند، اگر جانبازشان هم پذیرفته نشود و فقط آنها را یک سرباز یا یک ایثارگر مجروح هم به حساب آوریم یا زرمندگانی که مجروحیتی هم ندارند اما درگیر مشکلات زندگی شده‌اند آیا نباید رفاه و آسایش حداقلی آنها را فراهم کنیم؟

اشاره
ایثار کلمه‌ای بر معناست که در تمام فرهنگ‌ها و ملل مختلف دارای بار ارزشی و معنوی است هرچند در هر جامعه‌ای می‌تواند تعریف مخصوص به خود را داشته باشد.بی‌شک تمام مردم دنیا برای فردی که در حالت‌های متخلف برای کمک به دیگران یا دفاع از میهن خود یا حین خدمت به مردم و کشورش فداکاری از خود نشان دهد یا در این راه دچار آسیب جسمی، روحی یا بدنل جان شود ارزش و احترام فوق‌العاده‌ای قائل هستند، حال این فرد ایثارگر رزمنده‌ای در میدان جنگ،سرباز یا پلیسی در محل خدمت. آتش‌نشانی وظیفه شناس یا هر شخص دیگری باشد، مهم عمل اوست که برای مردم کشورش تحسین برانگیز است و به همین دلیل معمولاً هر جامعه‌ای سعی می‌کند به پاس قدرناتی و ادای دین به فرزندان فداکار و ایثارگر خود هر آنچه در توان دارد برای وی یا حتی بازماندگان او در نظر بگیرد و البته باز هم خود را بدهکار می‌داند. در این نوشتار به برخی مشکلات در سر راه قدرناتی از ایثارگران میهن‌بان اشاره می‌کنیم. گفته شد که تنگرو و قدرناتی از ایثارگران یکی از شاخصه‌های بارز جوامع مختلف می‌باشد و بارها از نمونه‌های آن در کشورهای دیگر شهیدیم که حتی در مواردی رسیدگی و خدمات ارائه شده به این افراد به قدری جامع و کم نظیر است که تعجب برانگیزی نماید خدماتی که مثلاً به کهنه سربازان باقی مانده از جنگ جهانی دوم داده می‌شود که دیگر از شرح آنها خودداری می‌کنیم.

نکته مهم این است که این قدر دانی‌ها در کشور ما که ارزش‌های الهی و نمونه‌های ایثارگری در فرهنگ و افکار مردم تنیده و مزجج است باید رنگ و بویی ویژه و پررنگ‌تری داشته باشد.

وارد آمدن ضمه جسمی حین انجام وظیفه در زمان جنگ یا در یگان‌های نظامی و انتظامی در هر زمان و مکان موجب می‌شود به پاس قدرناتی از جانفشانی و تحمل زنجی که به واسطه انجام وظیفه به فرد مسموم یا مجروح وارد می‌شود یک سری خدمات هرچند در مواردی ناکافی برای وی در نظر گرفته شود.از قبیل کمک و پیگیری در درمان، تسهیلات رفاهی و خدماتی به روش‌های مختلف.

قهرمانان داستان‌ها شرمنده شدند

پس از وقوع جنگ تحمیلی و سربازری شدن سیل خروشان جوانان برومند این مرز وبوم برای دفاع از ارزشهای اسلامی و خاک کشور فرصتی پیش آمد تا هرآنچه از نمونه‌های ایثار و از خود گذشتگی در قالب داستان‌ها و افسانه‌ها و شهادت‌های

شاهانه‌ها شنیده بودیم در ابعادی بسیار وسیع‌تر و عینی ببینیم و شاهد باشیم جوانان ما قهرمانان بزرگ داستان‌ها و افسانه‌ها را شرمند کردند و آنچه باعث نصرت و پیروزی ما در برابر دشمن متکی به عداوت فراوان که پشت سر خود حامیان ثروتمند و پولدار بودند را می‌دید، شد تجربه‌ای نوین از ایثار و بذل جان از سوی رزمندگان و مردم بود که دنیا به چشم دید.

طبیعی است که پس از اتمام دوران دفاع مقدس با جمعیت عظیمی از جامعه ایثارگران روبرو بودیم که هرکدام به نوعی از جان‌جسم، خانواده، بهترین ساهای جوانی و عمر و هرآنچه داشتند گذشته بودند و با تنی زنجور و مجروح برآمده شدند و چه جوانانی که بازنگشتند و خانواده آنها عزیزترین درایی خود را به پای

انقلاب و جمهوری اسلامی نثار کردند. اصافاً تا ناث سازمان‌هایی چون بنیاد شهید و ایثارگران خدمت خوبی به این ایثارگران ارائه شد هرچند قطعا در برابر این دست مورد توجه قرار خواهد گرفت چرا که در این زمینه یک برنامه وی جمع تهیه کرده‌ایم و براساس آن گام‌به‌گام این طرح را پیش خواهیم برد. وی همچنین اظهار کرد: «امیدواریم تا اواسط سال آینده در خصوص شبکه ملی اطلاعات با شرایط مطلوب نزدیک شویم.»

هنوز زمان زیادی از نطق شبایند یوی نگذشته بود که یکی از اعضای حقیقی شورای عالی فضای مجازی به نقد این اظهارات پرداخت. حتی‌الاسلام والمسلمین حمید شهرباری اتفاقا در همان نمایشگاه الکامپ در پاسخ به سوآلی مبنی بر «گزارش پیشرفت شبکه ملی اطلاعات به کجا رسید و آیا طبق اظهارات معاون وزیر ارتباطات، اجرای این شبکه محقق شده است؟» گفت: به عقیده بنده شبکه ملی اطلاعات هنوز راهاندازی نشده است. این عضو شورای عالی فضای مجازی گفت: اگر قرار باشد شبکه ملی اطلاعات را در بستر اینترنت راه بیندازیم، که دیگر شبکه ملی نیست، زیرا اگر سوئیدی از اینترنت را ببندند این شبکه از دسترسی خارج می‌شود! براساس اهداف کمی ترسیم شده در برنامه پنجم توسعه، شبکه ملی اطلاعات باید تا پایان سال جاری راهاندازی شود و طی آن ۶۰ درصد خانوارها و ۱۰۰ درصد کسب‌وکارها به این شبکه به‌صورت الکترونیکی علاوه بر این ۸۰ درصد پرداخته‌ها نیز باید به‌صورت الکترونیکی انجام شده و امکان دسترسی کاربران ایرانی به پهنای ۲۰ مگابیت بر ثانیه نیز در این شبکه محقق شود.اکنون «ن.ج» منتهم پرونده نزار ذکا و امضاکننده اسناد اجلاس سران جامعه اطلاعاتی – wis – مشهور به باشگاه بازندگان حوزه حاکمیت اینترنت: دبیر شورایی فناوری اطلاعات، مجری شبکه ملی اطلاعات، مدیر و مجری زیرساخت شبکه ملی اطلاعات و رئیس کار گروه ۴ نفره تحقق شبکه ملی اطلاعات است!

وی از موسسین و اعضای حزب منحله مشارکت و از عناصر نزدیک به دفتر هاشمی فرسجنانی است که به صورت عملیاتی، دانسته یا نادانسته نقشه «اشغال سایبری ایران» را دنبال می‌کند.